

تخیل دربارهٔ ادراکات ممکن پس از مرگ

.....

عده ای معتقدند آدمیزاد بعد از مردن تا مدتی کوتاهی قدرت ادراک و حس آن چه در اطرافش می گذرد را همراه دارد

می شود این گمان را جدی گرفت، گرچه نمی دانیم تا چه اندازه درست است
به هر حال هیچ کدام از ما پیشتر به کل نمرده بوده است تا تجربه اش کند

با این حال می شود چنین وضعیتی را تصور کرد، حالا که هنوز قوه تخیل را از دست نداده ایم: تصور این که مرده اید و پیش
از ظهر یک روز معمولی میانه سال، لخت و عور بر سنگ سردی گذاشته اندتان

بی هیچ حفاظی، بدون مایملکی

....

چهره در هم کشیده با پوستی پریده رنگ

به نظر اصوات مبهمی در اتاق شستشوی مردگان و راهروهای مجاور به گوش می رسد
کسانی زار می زنند و شیون می کنند، بیشتر شاید از اضطراب تصور اینکه روزی روی همان سنگ سرد خواهندشان گذاشت

...

سنگ سرد؟ شاید می شود هنوز کمی سرمایش را حس کرد. با این حال حتی اگر ادراک یا حس مبهمی هم برایتان مانده باشد
دیگرواکنشی به آن نشان نمی دهید

اراده ای برایتان بجا نمانده و امکانی برای حرکتی یا تغییری ندارید
بنظر به کل از دست رفته اید پیش از آنکه خواسته باشید

...بعد، در پارچه ای سفید می پیچندتان، به نشان- یا امید- طهارت
و بر دوششان حملتان می کنند

با حسی از درماندگی مفرط آنچه می گویند را می شنوید

یزودی به خاکتان می سپارند تا در آغوش زمین مادر بیارامید
در میانه ی سنگ و شن و کلوخ سرد

بعدتر، نوبت کرمهای حریصی می شود که سر می رسند
با اشتیاق وصف نشدنی شان به خوردن و ماندن

Gesendet von Yahoo Mail für iPad